



کودتایی که همچون رعد آمد و مثل برق شکست خورد!

در عین شک و تردید نسبت به واقعی بودن این کودتا، وقوع کودتا برای ترکیه هرگز امری دور از ذهن نیست.

آران نیوز: پاسی از نیمه شب نگذشته بود که ابتدا در شبکه های مجازی و سپس تلویزیون و خبرگزاری ها از وقوع یک کودتا خبر دادند، کودتا در کشوری که آوازه اش از این نظر بلند است و نظامیان قدرتمندش برای حفظ میراث آتاتورک هرگاه که اراده کرده اند، دولت را ساقط و خود زمام امور را بر عهده گرفته اند. ترکیه از این نظر همواره شکننده بوده است، کشوری که از نظر توسعه سیاسی و دموکراسی همواره با مشکلات بزرگی روبه‌رو بوده و مستعد بی ثباتی در اشکال مختلف خصوصاً کودتا نشان داده است. در قرن 19 اروپایی ها در مورد ترکیه جمله جالبی می گفتند: «ترک ها کشورگشایی را خوب بلدند ولی در حکمرانی بسیار ضعیف هستند.» و همین امر امپراتوری عثمانی، این اربابان افق ها در چند سده را به مرد بیمار اروپا تبدیل کرد و سرانجام تکه تکه اش کرد. ترکیه وارث آن امپراتوری عظیم نیز در حکمرانی همواره ضعیف بوده و چکمه های نظامیان کودتاگرش را در خیابان ها بارها دیده است. ترکیه هرگز یک دموکراسی موفق و کارآمد نبوده است، کشوری که از این نظر از دموکراسی های ریشه دار اروپایی، فرسنگ ها فاصله دارد. یکی از دلایل عدم پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا همین فاصله زیاد این کشور با استانداردهای دموکراسی و حقوق بشر مدنظر اروپا بوده است. با توجه به همین شکننده و متزلزل بودن ساختار سیاسی ترکیه، نباید وقوع تحولات ناگهانی در این کشور را دور از انتظار دانست. ترکیه را نمی توان همچون آلمان، سوئیس، سوئد و هر کشور اروپایی دموکراتیک دیگر دید. شاید اگر بگویند در سوئیس در آینده نزدیک احتمال وقوع کودتا وجود دارد، کم تر کسی حتی بدان لحظاتی هم که شده وقعی نهد، مگر اصلاً چنین امکانی وجود دارد! حال همین حرف را در مورد پاکستان، شیلی، آرژانتین و هر کشور درحال توسعه ای به کار بریم، کم تر کسی وجود دارد که به خود تردید راه دهد. ترکیه نیز چنین است، در کشوری که ید طولانی در کودتا دارد، کشوری که با مسائل قومی بزرگ مواجه است، کشوری که احزاب سیاسی اش به جان هم می افتند، کشوری که اپوزیسیون بسیار قوی دارد، و از همه مهم تر کشوری که در آن نظامیان تجربه لازم را در ساقط کردن دولت دارند، احتمال وقوع کودتا و حتی انقلاب و فراتر از آن جنگ داخلی هم دور از ذهن نیست. پس تعجب نکنید، چیز عجیبی رخ نداده است، یک کودتای ساده که اتفاقاً به نتیجه هم نینجامیده است.

حال از سوی دیگر به این مسئله نگاه کنیم، از همان نتیجه کودتا به موضوع بنگریم. شکست کودتا، آن هم در یک مدت زمان بسیار کوتاه و کم ترین هزینه برای دولت مردان حاکم، خصوصاً اردوغان که از سال 2009 مردم ترکیه او را «آخرین سلطان عثمانی» می نامند. اردوغان ناگهان به صحنه می آید، از طریق موبایل مردم را به حضور در خیابان ها فرا می خواند، و ساعاتی بعد افسران و سربازانی که با ذلت شکست خورده اند، دستان شان از پشت بسته شده است و از آن بدتر زیر مشت و لگد و تازیانه مردم عادی، چهره های شان خونین است و گریه می کنند. در صحنه های آخر کودتا، عده ای خوشحالدند و پایکوبی می کنند، عده ای می گریند و کتک می خورند و عده فراوان دیگری در بهت و حیرت مانده اند. واقعا چه روی داد؟ این بود کودتا که همه از آن ترس دارند؟ چه قدر ساده، همچون رعد روی می دهد و مانند برق فروکش می کند و شکست می خورد، اسمش را بگذاریم همان رعد و برق ناگهانی (به زبان ترکی ایلدیریم) بهتر است تا کودتا. همین موضوع است که بسیاری را بر آن داشته با دیده تمسخر و شوخی بدان بنگرند (فرهنگ پسااستعماری)، انگار که یک کمدی جالب به نمایش درآمده است. آیا همه چیز فیلم بود؟ اردوغان این آخرین سلطان عثمانی هوس کارگردانی هم به سرش زده است؟ این نوع برخورد بسیاری در ترکیه و خارج از آن با کودتای عجیب چند ساعته بود. اما عده ای نیز نظر دیگری دارند. سناریویی حرفه ای با دقت تمام به اجرا در آمده است، سناریویی که آنقدر واقعی اجرا شد که بسیاری آن را باور کردند و شاید در تاریخ هم همین ثبت خواهد شد: «اواسط جولای 2016 کودتایی در ترکیه روی داد که رئیس جمهور محبوب و قهرمان ملی کشور، رهبر حزب عدالت و توسعه، آخرین سلطان عثمانی، آن را به بهترین شکل ممکن مهار کرد، او جمهوری ترکیه را حفظ نمود و با حمایت مردم نشان داد که دموکراسی حرف اول و آخر را خواهد زد!» آیا تاریخ شبیه به چنین جمله ای را ثبت نخواهد کرد، حافظه عامه مردم کوتاه است، و این دولت ها و صاحبان قدرت هستند که معمولاً تاریخ را آنگونه که می خواهند می نویسند و دولت اردوغان شاید در این امر موفق عمل کند. در مباحث تئوریک روابط بین الملل موضوع مهمی به نام سناریو سازی "Scenario Making" وجود دارد که در زمینه های مختلف کاربرد دارد. اگر از این منظر به مسئله بنگریم، دولت اردوغان به زیرکی سناریویی را برای خروج از بحران نوشت و به اجرا در آورد.

ترکیه مدتی است اسیر مسائل و مشکلات وخیم داخلی شده است، ناآرامی و تنش در داخل ترکیه رو به افزایش بوده است، احتمال افزایش نارضایتی ها و سقوط دولت اردوغان وجود داشته است، ولی دولت حاکم نمی داند کی و چگونه این خطرات می تواند طومارش را ببیچد، پس خودش پیش دستی می کند، سناریویی یک کودتای قابل کنترل را می نویسد، در روز و ساعت مشخص، نیروهای مشخص با امکانات مشخص وارد صحنه می شوند و چون دولت از قبل بر همه چیز آگاه است، شرایط را به طور کنترل شده پیش می برد، سربازان و افسران نقش شان را بازی می کنند، و ناگهان قهرمان وارد صحنه می شود، شمشیرش را می کشد و فوج فوج مردم در رکابش برای حفظ میراث جمهوری وارد صحنه می شوند. با این سناریو، دولت اردوغان جلوی یک خطر بزرگ که مشخص نیست چه زمانی روی خواهد داد را می گیرد، نارضایان و مخالفین را شناسایی و حذف می کند، ارتش جایی که همواره می تواند برای دولت خطرناک باشد را بیش از قبل تحت کنترل قرار می دهد، مهم ترین دشمن خود یعنی فتح الله گولن و جریان سیاسی و فکری آن را در نوک حمله خود قرار می دهد، به گوشه رینگ می برد و تا جایی که می تواند به او ضربات مهلک وارد می کند، و از همه مهم تر مردم و جریانات سیاسی مختلف را حول یک ارزش بزرگ یعنی حفظ میراث جمهوری متحد و منسجم می کند که همه و همه پایگاه او را مستحکم تر می کند. از منظر سناریو سازی، کودتا کاملاً ساختگی و مدیریت شده توسط خود حاکمین بوده است. ولی اگر این را ببینیم، اردوغان به خاطر حفظ اساس حکمرانی و تاج و تختش، پرستیژ و اعتبار ترکیه را تضعیف ساخته است، ارتش قدرتمندش را تحقیر نموده و برای بلندمدت بنیان دموکراسی را سست ساخته است.

نزدیک به 14 سال از زمامداری حزب عدالت و توسعه می گذرد، در این مدت از چالش ها و مشکلات بزرگی عبور کرده است، بحران ها آن را آبدیده تر نموده است، و حال به نظر می رسد بتواند از بحران ها (واقعی یا ساختگی) فرصت های بزرگی را برای خود بسازد. ولی با این وجود ترکیه در شاخص های حکمرانی ضعف دارد، و این پاشنه آشیل آن است، پس در عین شک و تردید نسبت به واقعی بودن این کودتا، وقوع کودتا برای ترکیه هرگز امری دور از ذهن نیست. /به قلم دکتر افشین زرگر